کیهان

شگفتی‌های آفرینش کوه‌ها

سینا خدادادی

عارفان بر این باورند که هرآنچه هست، خداست و آنچه که اصلا دیده نمی‌شود، غیر اوست؛ چرا که ایشان را دیده‌ای دیگر است. آن دیدگان چنان تند و تیز است که از شعاع نور می‌گذرد و بر ملکوت آن نظر افکند. اما توده‌های مردم برای درک و شناخت خداوند، راه‌های بسیاری دارند که همان آیات و نشانه‌های آفاقی و انفسی است. هرکسی که به یکی از این آیات بنگرد و به دقت در آن توجه یابد، به آسانی می‌تواند حقیقت خداوند را بشناسد!

آیات آفاقی بسیار زیاد است. هر موجودی به تنهایی نشانه‌ای از نشانه‌های خداوندی است که دقت در آن حقیقت هستی وخداوند را به آدمی می‌شناساند. البته برخی از این نشانه‌ها، برای اینکه بیشتر در چشم است، مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این نشانه‌های الهی، کوه است. خداوند در آیات قرآن به این نشانه بارها توجه داده است. نویسنده بر این اساس به سراغ آیات قرآنی رفته تا از زبان قرآن، این نشانه الهی را تبیین و توصیف کند.

***

کوه، نشانه جمال و جلال و برکت الهی

کوه واژه مأنوسی برای همگان است. کوه را به هر یک از برآمدگی‌ها و مرتفعات سطح زمین تعریف کرده‌اند که از خاک و سنگ فراوان و کانی‌های گوناگون تشکیل شده و نسبت به زمین‌های اطراف بسیار بلند باشد. (فرهنگ فارسی، ج ۳، ص۳۱۳۶)

خداوند در تعریف کوه به ابعاد گوناگون آن اشاره کرده و بیشتر جنبه فواید آن را مدنظر قرار داده است. قرآن، کوه‌ها را به عنوان میخ‌های زمین معرفی کرده که ثبات زمین را موجب می‌شوند.

ارتفاع و بلندی کوه‌ها در زمین در حالی است که تنها یک‌سوم آن بیرون است.

این بدان معناست که کوه اورست با ارتفاع بیش از هشت هزار متر، تنها یک‌سوم از حقیقت آن به چشم ما دیده می‌شود و دوسوم آن در زیرزمین است. این کوه‌ها چون میخ‌های زمین موجب استواری و ثبات زمین شده و از ارتعاشات آن جلوگیری می‌کند.(هود، آیات ۴۲ و ۴۳ و نیز رعد، آیه ۵ و حجر، آیه ۱۹ و نحل، آیه ۱۵)

خداوند در آیه ۲۷ سوره مرسلات، کوه‌ها را با عنوان «رواسی شامخات» ستوده است. این بدان معناست که کوه‌ها، ثابت و مرتفع هستند و در همان حال به سبب راسیه بودن یعنی ثبات و بی‌تزلزلی خود، موجب ثبات زمین از تزلزل و ارتعاشات می‌شوند و از تکان‌های شدید آن بازمی‌دارند. (مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۳۵۴ ذیل واژه رسا و نیز ص ۴۶۴، ذیل واژه شمخ)

در این آیات خداوند با تاکید بر صفاتی چون شامخ و راسی به نقش کوه در ثبات خود و زمین تاکید و این‌گونه عظمت آن را نیز نشان می‌دهد. کوه‌ها همانند لنگرهای زمین هستند که خاک قابل زیست بشر را همانند کشتی بر سطح دریای خروشان درون زمین نگه می‌دارند. این لنگرها اجازه نمی‌دهند تا سطح زمین به جهات گوناگون کشیده شود و در درون دریای خروشان مذاب درون زمین فرو رود.

خداوند در آیه ۱۹ سوره غاشیه به این نقش کوه‌ها با عنوانی چون «نصبت» توجه می‌دهد و از انسان‌ها می‌خواهد تا به این نقش توجه یابند. (غاشیه، آیه۱۷) پس این کوه‌ها هستند که زمین را از تلاطم و هرگونه ارتعاشات مخرب و زیان‌بار حفظ می‌کنند. از این‌رو به‌عنوان ثبات‌بخش از آن تعبیر شده است.(کشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۷۴۵)

کوه‌ها پس از آنکه زمین آفریده شد، به‌عنوان میخ‌های استوارکننده آن آفریده شده است.(رعد، آیه ۳ و حجر، آیه ۱۹ و نباء، آیات ۶ و ۷) این‌گونه شد که زمین چون گهواره‌ای برای بشر شکل گرفت.(نباء، آیات ۶ و ۷)

البته از نظر قرآن کوه‌ها تنها در روی زمین نیست، بلکه نوعی کوه در آسمان نزدیک زمین نیز وجود دارد که نقش بی‌نظیری در آسایش بشر در زمین ایفا می‌کند. همان‌گونه که در زمین از خاک، کوه‌ها درست شده است.

در آسمان بالای زمین نیز کوه‌های با عظمتی از عناصر سبک درست شده است که زمینه حفاظت از آسمان زمین و ایجاد باران و برف و مانند آن را به‌عهده دارد. خداوند در آیه ۴۳ سوره نور به کوه‌های با عظمت آسمانی زمین اشاره می‌کند و آنها را کوه‌هایی از یخ برمی‌شمارد که در عظمت و بزرگی همانند کوه‌های خاکی زمین هستند. خداوند در این آیه کوه آسمانی زمین را کوهی از یخ برمی‌شمارد. (التبیان، ج ۷، ص ۴۴۷)

کوه‌ها مانند لنگرهای زمین هستند که خاک قابل زیست بشر را همانند کشتی بر سطح دریای خروشان درون زمین نگه می‌دارند. این لنگرها اجازه نمی‌دهند تا سطح زمین به جهات گوناگون کشیده شود و در درون دریای خروشان مذاب درون زمین فرو رود.

کوه‌های خاکی زمین و کوه‌های یخی آن در آسمان، هر دو همانند کشتی‌های بزرگی هستند که بر دریاهایی شناورند. بنابراین، در زیر کوه‌ها دریایی از هوا و مذاب در جریان است و کوه‌ها همانند کشتی‌ها بر روی این دریاها در حرکت هستند و اجازه می‌دهند تا زمین و آسمان روی زمین برقرار باشد. (شوری، آیه ۳۲ و الرحمن، آیه ۲۴)

برای بسیاری از انسان‌ها فواید کوه‌های خاکی در روی زمین معلوم است، ولی هنوز اطلاعات کامل و دقیقی از کوه‌های یخی در آسمان و آثار و فواید دقیق آن وجود ندارد.

کوه‌ها با آنکه دارای عظمت و جلالی این‌گونه هستند و مظهر آفرینندگی خداوند و جلال او (لقمان، آیات ۱۰ و ۱۱) هستند، نشانه‌ای از جمال الهی می‌باشند. به سخن دیگر، هر اسم جلالی خداوند همراه اسم جمالی است. هرچند که آنچه به ظهور می‌رسد یکی از دو وجه آن است.

آنچه از کوه نیز به چشم می‌آید جلال آن است تا جمال آن؛ از این‌رو مردم کوه را به عظمت می‌شناسند و کمتر کسی به وجه جمالی کوه‌ها و زیبایی آن توجه می‌یابد.

خداوند در آیاتی از جمله ۲۷ سوره فاطر به وجه جمالی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید کوه‌ها دارای رنگ‌های چشم‌نوازی چون سفید و سرخ و سیاه هستند.

رگه‌های سفید و سرخ و سیاه درکوه‌ها نشانه‌ای از قدرت و یکتایی خداوند است. لذا فرمان می‌دهد تا در این آیات بنگرند و اندیشه کنند.

از دیگر آثار جمالی کوه که در قرآن به آن توجه داده شده است، وجه خیر و برکت آن برای بشر است. خداوند در آیه ۵۲ سوره مریم و ۸۰ سوره طه، کوه سینا را محلی برای خیر و برکت می‌شمارد و در آیه ۲ سوره تین به کوه طور اشاره می‌کند و به مبارک بودن آن توجه می‌دهد.

برخی از مفسران بر این باورند که واژه سینین به معنای مبارک و نیکو است و این اضافه از باب تعریف است، مثل اینکه گفته شود کوهی که در آن خیر فراوان است. (مجمع‌البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۷۷۵)

همچنین ایمن به معنای مبارک است که خداوند وصف کوه طور در آیه ۵۲ سوره مریم آورده است.(التحقیق، مصطفوی، ج ۷، ص ۱۳۶)

به هر حال، کوه‌ها در جمال و جلال خود، نشانه و آیتی از آیات الهی هستند و خداوند کوه‌ها را برای بشر به عنوان نعمت آفریده است. (اعراف، آیه ۷۴ و نیز نحل، آیه ۸۱)

قرآن در آیه ۲۱ سوره حشر به خشوع و خشیت کوه‌ها در برابر خداوند و مظاهر آن اشاره می‌کند که خود بهترین نشانه از درک و شعور کوه‌ها در مرتبه خودشان می‌باشد؛ چرا که اگر کوه درک و شعوری نداشت، خشوع و خشیت معنایی نداشت.

شعور و سجده کوه

از نظر قرآن هر موجودی به سبب این که اسمی از اسمای خداوندی را ظهور می‌بخشد، در بر دارنده اسما و صفات دیگر الهی نیز می‌باشد. البته ظهور اسما و صفات دیگر، در آنها شدت و ضعف دارد.

از آنجا که تنها انسان دارای همه اسمای الهی می‌باشد و او را عبدالله یا عبده قرار داده است، ظرفیت بروز و ظهور تمام و کمال آن اسما و صفات را دارا می‌باشد و می‌تواند آنها را به تمام و کمال فعلیت بخشد.

پس هر موجودی باید دارای علم و شعور باشد. البته علم و شعور هر موجودی از موجود دیگر متفاوت است که علت آن بیان شد. از جمله این موجودات کوه‌ها هستند که دارای شعور می‌باشند.

خداوند در آیاتی از جمله ۱۸ سوره حج به سجده کوه اشاره کرده و با آوردن واژه من، که برای دارندگان عقل به کار می‌رود، کوه‌ها را دارای عقل و شعور دانسته است. آیاتی دیگر از جمله ۷۲ سوره احزاب و ۱۸ سوره ص نیز این معنا را تاکید می‌کند.

خداوند همچنین در آیه ۲۱ سوره حشر به خشوع و خشیت کوه‌ها در برابر خداوند و مظاهر آن اشاره می‌کند که خود بهترین گواه از درک و شعور کوه‌ها در مرتبه خودشان می‌باشد.

نزول قرآن بر کوه که موجب خشیت و خشوع آن می‌شود، خود بهترین دلیل بر درک و فهم کوه می‌باشد؛ چرا که اگر کوه درک و شعوری نداشت، خشوع و خشیت معنایی نداشت.

خداوند در آیه ۷۲ سوره احزاب از خوف و هراس کوه از امانت الهی عرضه شده به آن سخن می‌گوید. این نیز بدان معناست که کوه قابلیت فهم و درک آیات و امانتداری آن را دارا بوده است، ولی به سبب اینکه همه اسمای الهی را در صورت کمالی آن نمی‌توانست دارا شود، آن را نپذیرفت و خود را ناتوان از حمل این امانت بزرگ الهی دانست.

ولایت الهی نیز برای او شناخته شده است ولی خود را قادر به حمل این بار سنگین نمی‌دانسته و عذرخواهی کرده است.

خداوند در این آیات می‌خواهد به انسان بفهماند که باری عظیم و مسئولیتی بزرگ بر دوش گرفته است که همان ولایت الهی است.

به هر حال، همه موجودات هستی از جمله کوه‌ها دارای عقل و شعورند ولی مرتبه شعورشان متفاوت است. البته هر موجودی در هر مرتبه‌ای از شعور باشد، مرتبه‌ای است که سجده و انقیاد را انجام می‌دهد؛ به این معنا که آن همه درجات شعور، او را به حقیقت خداوند آشنا و وجوب و لزوم سجده برای او را ثابت می‌کند. (حج، آیه ۱۸)

آفرینش کوه‌ها همراه با ایجاد برکت برای بشر بوده است و روزی بشر و آب و معیشت او نیز از طریق کوه‌ها تامین و ذخیره‌سازی می‌شود. از این رو خداوند در آیه ۱۰ سوره فصلت، کوه‌ها را پاسخگوی نیازهای بشر در زمینه رزق و روزی برمی‌شمارد.

فواید کوه‌ها

کوه‌ها برای بشر فواید بسیاری دارد. یعنی افزون بر اینکه تثبیت‌کننده زمین برکات و فواید مستقیم دیگری برای بشر دارد که از آن جمله می‌توان به بهره‌گیری بشر از معادن گنجینه‌های آن اشاره کرد.

معادن و سنگ‌های مرمر و گرانیت و دیگر معادن در رنگ‌ها و اشکال مختلف و کاربردهای گوناگون، از جمله فواید کوه‌هاست. (فاطر، آیه ۲۷) آفرینش کوه‌ها همراه با ایجاد برکت برای بشر بوده است و روزی بشر و آب و معیشت او نیز از طریق کوه‌ها تامین و ذخیره‌سازی می‌شود.

خداوند در آیه ۱۰ سوره فصلت، کوه‌ها را پاسخگوی نیازهای بشر در زمینه رزق و روزی بر می‌شمارد. البته در این آیه از چهار دوره زمین‌شناسی اصلی یاد می‌کند.

از آنجا که تعبیر روز در آموزه‌های قرآنی به معنای بروز و ظهور است، می‌توان گفت که چهار دوره اصلی بر زمین گذشته است که در هر دوره‌ای زمین شکل خاص یافته که با شکل پیشین آن متفاوت بوده است؛ چرا که خداوند از قیامت به یک روز یاد می‌کند. در آن روز زمین و آسمان منهدم و به شکل دیگری در می‌آیند که تفاوت ماهوی خواهد یافت.

بنابراین، در چهار دوره‌ای که زمین ظهور و بروز کرده است، هر دوره‌ای از دوره‌های آن باید با دوره دیگر از نظر ماهوی و اساسی متفاوت باشد. البته دانش بشر هنوز به فهم این نکته و نکته‌های دیگر درباره ساختار زمین و دوره‌های آن نرسیده است و بسیاری از رازهایی که در قرآن رمزنگاری شده، هنوز رمزگشایی نشده است.

کوه‌ها همچنین مهم‌ترین منبع آب شیرین برای موجودات زنده روی زمین است. خداوند در آیاتی از جمله ۱۵ سوره نحل و ۲۷ سوره مرسلات از نقش کوه‌ها در تامین آب مورد نیاز بشر سخن می‌گوید.

در این آیات پس از ذکر رواسی از انهار و رودها سخن به میان می‌آورد خود بهترین گواه است که کوه‌ها در ساخت نهرها و رودها نقش اساسی دارند مهم‌ترین منبع آب شیرین و گوارا برای بشر و دیگر موجودات زنده روی زمین است. (المیزان، ج ۱۱، ص ۲۹۱)

از دیگر فواید کوه‌ها می‌توان به استفاده از سنگ‌های آن برای خانه‌سازی و تراشیدن سنگ‌ها در درون آن برای خانه‌سازی اشاره کرد. کوه‌ها یکی از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین پناهگاه‌های بشر بوده است.

در طول تاریخ برخی از اقوام با تراشیدن کوه‌ها خانه‌های خویش را در درون آن می‌ساختند که قوم ثمود و عاد این‌گونه بودند. (اعراف، آیه ۷۴ و شعراء، آیه ۱۴۹) خداوند در آیه ۱۵ سوره نحل و ۳۱ سوره انبیاء از کوه‌ها به عنوان یکی از عوامل آسودگی و آسایش انسان یاد می‌کند، چرا که موجب می‌شود تا همانند لنگر از اضطراب و لرزش‌های زمین جلوگیری کند و آسودگی و آسایش انسان را موجب شود.

خداوند در آیاتی از جمله ۱۸ سوره حج به سجده کوه اشاره کرده و با آوردن واژه من، که برای دارندگان عقل به کار می‌رود، کوه‌ها را دارای عقل و شعور دانسته است.

کوه‌ها یکی از مهم‌ترین منابع سدسازی و حفظ و تامین آینده آب بشر است. از این رو در طول تاریخ میان کوه‌ها سدهای عظیم برای حفظ آب ساخته می‌شده است. البته سدسازی گاه برای حفظ از تهاجم دشمن نیز انجام می‌گرفته است.

همچنین کوه‌ها یک ابزار تامین آسایش و امنیت بشر بوده است و سدهای عظیمی در برابر تجاوزگران بوده‌اند. به هر حال، نقش چندگانه‌ای برای کوه‌ها می‌توان در حوزه سدسازی قائل شد. (کهف، آیات ۹۳ تا ۹۶)

این‌ها نمونه‌هایی از عظمت و جلال و جمال کوه‌هاست که در برخی از آیات به آن اشاره شده است. توجه به همین اندازه و تحلیل و توصیف و تدبر و تحقیق در آن می‌تواند انسان را با خداوند و عظمت و قدرت او آشنا سازد و آدمی را یک گام به شناخت خود و خدا نزدیک سازد.

البته خداوند در این آیات می‌کوشد تا با اشاره‌ای گذرا مردم را به استفاده درست از کوه و فواید آن جلب کند.

سنت‌های الهی در مسائل خانوادگی

خلیل آقاخانی

سنت‌های الهی، قوانین ثابت غیر قابل تبدیل و تغییر است که بر اساس مشیت حکیمانه الهی وضع شده است تا هر چیزی در چارچوب آن سنت‌ها و قوانین به کمال تعیین شده خود برسد.

این سنت‌ها دارای انواع و اشکال گوناگونی است که شامل سنت‌های تکوینی و تشریعی می‌شود. سنت‌های تکوینی مانند قوانین فیزیک و طبیعت یا مانند سنت عبودیت انسان و جن به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را حذف کرد؛ چرا که جریان هستی بر مدار این قوانین و سنت‌ها می‌چرخد. از این رو مثلا در سنت عبودیت حتی انسان و جن که دارای اراده اختیاری و حق انتخاب هستند، نمی‌توانند معبودی نداشته باشند و سنت عبودیت در آنان همواره جاری و ساری است. سنت‌های تشریعی نیز همانند سنت‌های تکوینی این‌گونه است؛ با این تفاوت که در سنت‌های تشریعی که در جامعه انسانی و جنی جریان می‌یابد، انسان و جن هرچند که نمی‌توانند آن را تبدیل و تغییر دهند، ولی می‌توانند برخلاف آن عمل کنند.

البته از نظر قرآن، عمل بر خلاف سنت‌های تشریعی الهی، می‌تواند به دارندگان اراده اختیاری از جن وانس خسران و زیان وارد کند و آنان را از مسیر کمالی مقدّر و معیّن دور سازد.

سنت‌های تشریعی الهی که در قالب احکام ثابت در همه شرایع آسمانی از سوی خدا از طریق وحی و پیامبران و کتب آسمانی بیان شده، بسیار متنوع ومتعدد است. نویسنده در این مطلب تنها به بیان برخی از سنت‌های تشریعی در ساحت خانواده و آثار پایبندی به آنها پرداخته است.

از نظر قرآن، ارتباطات زن با مردان بیگانه می‌تواند محرکات جنسی مردان را برانگیزاند و آنان را به اذیت و آزار زنان بکشاند. پوشش مناسب، کلام و سخن مناسب و نه خارج از عرف، بده و بستان با محدودیت محافظت بر حجاب، پرهیز از تبرج جاهلی یا همان برجسته‌سازی اندام‌های محرک جنسی می‌تواند عاملی مهم در جلوگیری از زنا و فحشاء باشد؛ زیرا این‌گونه، زنی شناخته نمی‌شود و مردی بیماردل درپی اذیت و آزار جنسی نمی‌رود.

سنت‌های ثابت الهی در ساحت خانواده

خدا در قرآن، در قالب احکام شرعی، سنت‌ها و قوانینی را مطرح کرده که به ساحت خانواده تعلق دارد. همه این سنت‌ها در چارچوب «حق» قراردارد و هیچ باطلی درآن راه نمی‌یابد؛ زیرا همگی آنها از ساحت حق تعالی صادر و بیان شده است. همچنین این سنت‌ها و قوانین شرعی، بر محور عدالت است؛ یعنی هر آنچه حق است خدا بیان کرده تا هر چیزی در جای مناسب و مقدر خود قرار گیرد..

بنابراین، هر گونه مخالفت با این قوانین و سنت‌های شرعی به معنای مخالفت با حق و عدالت و نوعی تعدی و تجاوز به حدود الهی است.(بقره، آیات ۱۲۹ و ۲۳۰؛ طلاق، آیه ۱) سنت‌ها و قوانین متعددی در ساحت خانواده مطرح است که در قالب احکام، تشریع و بیان شده است. آموزه‌های قرآن، بر آن است تا این سنت‌ها و قوانین الهی در این ساحت را به شکل تفصیلی تبیین کرده و مردم را به سوی آن هدایت و راهنمایی کند.

خدا به‌صراحت پس از بیان سنت‌هایی در ساحت مسائل خانوادگی می‌فرماید: خدا اراده کرده تا برای شما تبیین کند و شمارا به سوی سنت‌های کسانی هدایت کند که پیش از شما بودند و خدا به سوی شما توبه و بازگشت می‌کند و خدا علیم حکیم است. (نساء، آیه ۲۶) در این آیه هر چند که سنت‌ها و قوانین مطرح شده در آیات پیشین در ساحت خانواده را به سنت‌های پیشینیان نسبت می‌دهد؛ ولی این بدان معنا نیست که اینها سنت‌های الهی نیست، بلکه مراد آن است که اینها سنت‌هایی است که از سوی خدا در جوامع قبلی تشریع شده و آنان به آن عمل می‌کردند؛ زیرا سنت‌ها در این‌جا همان سبک زندگی است که به شکل سیره و رویه عملی و رفتاری در آمده است. به سخن دیگر، خدا در این آیات می‌خواهد بیان کند که این سنت‌ها و قوانین، تازگی ندارد، بلکه در میان اقوام پیشین نیز جاری و ساری بوده و آنان به عنوان سبک زندگی بدان عمل می‌کردند؛ زیرا همه این سنت‌ها و قوانین شرعی ازسوی خدای علیم بر اساس حکمت تشریع شده است.

سنت‌های تشریعی الهی در ساحت خانواده شامل مَحرم و نامحرم (نساء، آیه ۲۳)، ازدواج، طلاق، انفاق مالی، پوشش، همبستری، فرزندآوری، سرپرستی و ولایت فرزند، مجازات و کیفر زناکار، تجدید فراش، عقد موقت، ارث و مانند آنها است.(نساء، آیات ۱ تا ۲۳ و ۳۴ و ۳۵)

آثار خروج از سنت‌های الهی

شناخت این سنت‌ها و قوانین شرعی الهی درساحت خانواده به عنوان حدود الهی به انسان کمک می‌کند تا تقوایی را پیشه کند که او را به کمالات می‌رساند و از فجور و سقوط از مقام انسانیت و دخول در آتش دوزخ بازمی دارد(نساء، آیه۱ و ۱۳ و ۱۴؛ بقره، آیه ۱۸۷)؛ زیرا کسی که به این سنت‌ها به عنوان حدود الهی توجه واعتنا نکند در دام فجور و فحشا و بی‌تقوایی می‌افتد که سرانجام آن خروج از دایره انسانیت و سقوط در سطح چارپایان و پست‌تر از آن است. به عنوان نمونه کسی که شهوات جنسی خویش را از طریق سنت و قانون الهی یعنی ازدواج مشروع بر طرف نمی‌کند و به جای آن مثلا به همجنس‌بازی و زنا رو می‌آورد، کسی است که رفتاری را دارد که حتی حیوانات بدان گرایش ندارند؛ افزون برآنکه چنین رفتار جنسی خلاف حدود الهی و بازدارنده از کمال‌یابی است، بلکه به عنوان مصداقی از اسراف در عمل جنسی، راه پرخطری برای سلامت روحی و روانی انسان است؛ زیرا اسراف در همه مصادیق آن، موجب اختلال رفتاری و روانی می‌شود و انسان را از حالت تعادل و استوای فطری خارج می‌سازد. (ذاریات، آیات ۳۳ و ۳۴؛ نمل، آیات ۵۴ و ۵۵؛ عنکبوت، آیه ۲۸) از نظر قرآن، این نوع اسراف جنسی و فحشای آشکار نه تنها موجب می‌شود تا نسل انسانی قطع شود(عنکبوت، آیات ۲۸ و ۲۹)، بلکه ارتباط عاطفی از میان برود که در قالب ازدواج با جنس مخالف ایجاد می‌شود و رحمت و مودت را موجب می‌شود (روم، آیه ۲۱)؛ زیرا از نظر قرآن، عمل به سنت و قانون ازدواج موجب می‌شود تا چنین ارتباط عاطفی ایجاد شود و انسان را در مسیر کمالی یاری کند، اما با مخالفت با سنت الهی چنین شرایطی از دست می‌رود و انسان نه تنها رشد نمی‌کند، بلکه ازنظر عاطفی و روحی سقوط می‌کند و از انسانیت نیز خارج می‌شود.

از نظر آموزه‌های قرآن، سنت‌ها و قوانین شرعی الهی بر اساس حق و عدالت شکل گرفته تا هر کسی به کمال مقدر و بایسته و شایسته خویش برسد. بنابر این مخالفت با این سنت‌ها به معنای خروج از حق و عدالت بوده و چنین اشخاصی ظالم هستند.(بقره، آیه ۲۲۹؛ طلاق، آیه ۱) قرآن بیان می‌کند که مخالفت با حدود و سنت‌ها و قوانین الهی موجب می‌شود تا شخص به کفر بگرایید و در نهایت کافر شود؛ به این معنا که ممکن است شخص در آغاز کافر نباشد، ولی به سبب مخالفت با قوانین و سنت‌های تشریعی الهی به کفر کشیده شود و در نهایت کافر از دنیا برود و گرفتار عذاب دوزخ شود.(مجادله، آیه ۴)

کارکردهای سنت‌های الهی در ساحت خانواده

مومنانی که همه حدود الهی را می‌شناسند و بر اساس آن عمل کرده و بر محافظت بر آن تاکید دارند، به عنوان مومنان به بهشت می‌روند و از مواهب اخروی الهی بهره‌مند می‌شوند. (توبه، آیه ۱۱۲)

بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین کارکرد محافظت بر سنت‌ها و قوانین الهی خصوصا در ساحت خانواده کسب تقوای الهی است. از نظر قرآن، یکی از سنت‌های الهی، محافظت بر عفت و حیا(نور، آیات ۳۰ تا ۳۳) در قالب حجاب شرعی است که مرد و زن با پوشش مناسب اجازه نمی‌دهند تا حریم حرمت‌های خانوادگی شکسته شود و زن و مرد گرفتار بی‌عفتی و بی‌حیایی شوند. از همسران باید به گونه‌ای عمل کنند که برای تامین نیازهای جنسی به بیرون از خانواده نیازی نباشد. البته از آنجا که خدای خالق انسان می‌داند که چه چیزی موجب تحریک جنسی می‌شود، از مرد و زن خواسته شده تا با شناخت نسبت به این محرکات جنسی، اجازه ندهند تا دربیرون از دایره خانواده و همسری این محرکات به کار گرفته شود. از این رو در قرآن، زن را از طرز سخن گفتنی منع می‌کند که موجب تحریک جنسی مردی می‌شود؛ خضوع در کلام می‌تواند تاثیری شگرف در تحریک جنسی مردان داشته باشد. لذا باید از آن اجتناب کرد. (احزاب، آیه ۳۲)

بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین کارکرد محافظت بر سنت‌ها و قوانین الهی خصوصا در ساحت خانواده کسب تقوای الهی است.

همچنین از نظر قرآن، نوع پوشش مردان و زنان در تحریک جنسی بسیار مهم و اساسی است. از آنجا که برخی از اعضای زن به عنوان زینت زنانه عامل تحریک جنسی در مردان است، پوشاندن آن واجب شده است. آشکارسازی این زینت‌ها خواه‌اندامی یا عاریتی می‌تواند مردان را به سوی گناه تحریک کند و شرایط اذیت و آزار جنسی زنان را فراهم آورد. بنابراین، هر گونه تبرج و برجسته‌نمایی این ابزارهای تحریک جنسی به عنوان رفتاری جاهلی غیر اسلامی حرام دانسته شده است. (نور، آیه ۳۱؛ احزاب، آیات ۳۱ و ۳۲)

براین اساس پوشش سرتاسری به عنوان «جلباب» یا همان چادر مطرح شده تا جز چهره و کف دست‌ها پوشیده بماند. از نظر قرآن، همان طوری که سخنان عشوه زنان تحریک زا است، هم چنین گام برداشتن زنان در شرایط خاصی مانند پاکوبی و برخاستن صدای زینت‌های عاریتی نیز موجب تحریک جنسی مردان است.(نور، آیه ۳۱؛ احزاب، آیه ۵۹) از نظر قرآن، ارتباطات زن با مردان بیگانه می‌تواند محرکات جنسی مردان را بر انگیزاند و آنان را به اذیت و آزار زنان بکشاند.

پوشش مناسب، کلام و سخن مناسب و نه خارج از عرف، بده و بستان با محدودیت محافظت برحجاب، پرهیز از تبرج جاهلی یا همان برجسته سازی اندام‌های محرک جنسی می‌تواند عاملی مهم در جلوگیری از زنا و فحشاء باشد؛ زیرا این‌گونه، زنی شناخته نمی‌شود و مردی بیماردل درپی اذیت و آزار جنسی نمی‌رود.(احزاب، آیات ۵۳ و ۵۷ تا ۵۹؛ نور، آیه ۳۱) بر اساس آموزه‌های قرآن، هدف از این سنت‌ها و قوانین خاص خانوادگی برای صیانت از خانواده است؛ زیرا خانواده مهم‌ترین پایگاه برای تزکیه و رشد و تعلیم و تربیت است. پس اگر خانواده سست شود و بر خلاف تقوای الهی حرکت کند، نمی‌توان نسل مومن و سالمی را تربیت کرد که راه کمال را بتواند بپیماید و در جایگاه خلیفه الله قرار گیرد.

البته عوامل بسیاری در ایجاد کمال از طریق دستیابی به تقوای الهی وجود دارد که همگی آنها در قالب سنت‌ها و قوانین شرعی بیان شده است. این قوانین و سنت‌ها را نمی‌توان تنها احکامی دانست که بی‌حکمت و هدف مشخص و معین بیان شده است؛ بلکه در همگی آنها مصالح یا مفاسدی مد نظر بوده است که با اجرای آن احکام درقالب واجب یا مستحب به مصلحت می‌رسیم و با ترک آن در قالب حرام و مکروه از مفسده در امان می‌مانیم؛ مصالحی که موجب کمال انسان و مفاسدی که موجب سقوط انسان می‌شود.

به عبارت دیگر در همه احکام شرعی و متعلقات آن مصالح یا مفاسدی مد نظر است که بیانگر حکیمانه بودن این احکام است. پس این احکام و بایدها و نبایدها و شایدها و نشایدها همگی دارای بنیادهای عقلانی حکیمانه‌ای است که بسیاری از آنها در قالب علل و حکمت‌های شرایع بیان شده است؛ هر چند که ما به دلیل قصور یا تقصیر نسبت به آنها آگاه نیستیم و از آثار و کارکردهای آن بی‌خبریم، لذا نباید جهالت خویش را به سنت‌ها و قوانین شرعی الهی تعمیم دهیم و آن را عبث یا بیهوده بشماریم و با آن همانند قوانین کودکانه و لعب و لهو مواجه شویم؛ بلکه باید به دنبال درک و فهم آن قوانین و علل و حکمت‌ها و آثار آن باشیم و مصالح و مفاسد هر متعلق حکمی را بدانیم تا از آن در سبک زندگی خویش بهره‌گیریم و به کمالات بایسته و شایسته و سعادت دنیوی و اخروی برسیم.

چراغ راه

بدرفتاری با خانواده شاخص بدرفتاری با دیگران

قال الامام علی(ع): «من اساء الی اهله، لم یتصل به تامیل».

امام علی(ع) فرمود: کسی که با خانواده‌اش بدی می‌کند، هیچ امیدی به او نیست (که به دیگران خوبی کند) (۱)

۱- غررالحکم، ح ۸۱۳۴

حکایت خوبان

لزوم مهرورزی به زنان در خانواده

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «بهترین مردان امت من، کسانی هستند که به خانواده خود ظلم نمی‌کنند و به آنان مهر می‌ورزند و در حقشان ستم روا نمی‌دارند.» (۱)

همچنین آن حضرت در روایتی دیگر فرمود: «هرکس به زنی آزار برساند تا آن زن (با بخشیدن مهریه‌اش)، جان خود را از او بخرد، خدای تعالی برای آن مرد، به کیفری کمتر از آتش، رضایت نداده است، چرا که خداوند متعال برای زن همان‌گونه به خشم می‌آید که به خاطر یتیم.» (۲)

امام علی(ع) فرمود: «زنان در خانه مردان، اختیار هیچ سود و زیانی را برای خود ندارند. آنان امانت خدا در نزد شما هستند، بنابراین به آنان گزند نزنید و با آنها بدرفتاری نکنید.» (۳)

۱- مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۴۶۸، ح ۱۵۹۷
۲- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۵، ح ۳۰
۳- مستدرک‌الوسایل، ج ۱۴، ص ۲۵۱، ح ۱۶۶۲۲

پرسش و پاسخ

عوامل تزلزل و فروپاشی خانواده‌ها

پرسش:

چه علل و عواملی موجبات تزلزل و یا فروپاشی خانواده‌ها را فراهم می‌آورد؟

پاسخ:

علل و عواملی که موجبات تزلزل و یا فروپاشی خانواده‌ها را فراهم می‌آورد گوناگون و متنوع و گسترده است و همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خانواده‌ها را در بر می‌گیرد. در این‌جا به نحو اجمال به اهم این علل و اسباب اشاره می کنیم:

۱- علت مذهبی و دینی

یکی از مهم‌ترین شرایط ازدواج در اسلام «کفو» بودن، یعنی همسان و همخوان بودن در دین و مذهب است. مسلمان نمی‌تواند با کافر ازدواج کند، و در مورد مذاهب و فرق اسلامی هر چند ازدواج باطل نیست، اما همین تضاد و دوگانگی در مذهب چه بسا منجر به اختلافات و مشاجرات خانوادگی شود و کانون گرم روابط زن و شوهر را به سردی سوق دهد. بنابراین در زندگی مشترک خانوادگی، باید مواضع مشترک در ابعاد دینی و مذهبی وجود داشته باشد تا در مقام اجرا و عمل هماهنگ باشند.

۲- علت اجتماعی

زندگی اجتماعی دارای ضوابط و قواعدی است که قبل از ازدواج باید آنها را شناخت و به آنها التزام عملی پیدا کرد. لیاقت و شایستگی انسان در حیات اجتماعی هنگامی که با مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی روبرو می‌شود، معلوم و آشکار می‌گردد. اگر زن و شوهر به مرحله‌ای از بلوغ و رشد اجتماعی نرسیده باشند که بتوانند مسائل و مشکلات خودشان را در پرتو آموزه‌های عقلانی و وحیانی اجتماعی، حل و فصل نمایند به طور طبیعی، سکان اداره خانواده آنها در اختیار دیگران قرار گرفته و آنها نیز با ذوق و سلیقه خودشان ارائه طریق کرده و هدایت آنها را به‌عهده می‌گیرند که در این شرایط خانواده در میان انبوهی از چالش‌های حل نشده زندگی قرار گرفته و هر روز بر عمق اختلافات و مشکلات خانوادگی و تزلزل و حتی فروپاشی افزوده خواهد شد!

۳- علت سیاسی

اگر طرز فکر یک خانواده در مسائل سیاسی واحد و هم‌سنخ نباشد، چه بسا این اختلافات منجر به درگیری و مناقشات بی‌حاصل گردیده و منجر به از هم پاشیدگی خانواده گردد!

۴- علت فرهنگی

هر جامعه و کشوری فرهنگ خاص خود را داشته که با فرهنگ جوامع دیگر متفاوت و گاهی متباین است. اگر زن و شوهری در هنگام ازدواج علاوه بر هم‌کفو بودن در مسائل مذهبی، سیاسی و اجتماعی در مسائل فرهنگی هم، با یکدیگر سنخیت داشته باشند یعنی طرز فکرها و رویکردهایشان از امور و حوادث و آداب و رسوم و خلقیات و ارزش‌های مورد پسندشان شبیه به هم باشند، در این شرایط طبیعی است که کانون خانواده با کمترین اختلاف و تنشی همواره گرم باقی خواهد بود. در غیر این صورت اختلافات چه‌بسا منجر به منازعه و یا حتی فروپاشی خانواده خواهد شد!

۵- تعصب به آداب و رسوم جاهلانه

التزام و تعصب جاهلانه نسبت به آداب و رسوم قبیله‌ای و فرهنگی، زمینه و بستر اختلافات و درگیری‌ها و تنش‌های خانوادگی را افزایش داده، و چه بسا منجر به فروپاشی و اضمحلال خانواده گردد!

۶- علت اقتصادی

ازدواج منشأ اتحاد جسم‌ها و جان‌ها است، اما مسائل اقتصادی و مالی را نمی‌توان نادیده گرفت. چه بسیار اختلافات و درگیری‌های خانوادگی در اثر مشکلات اقتصادی و مالی پدید آمده و آرامش و سکون خانواده‌ها را بر هم زده است! آفت فقر خطر بزرگی برای درگیری‌ها و حتی فروپاشی خانواده‌ها است که امام علی(ع) می‌فرماید: «الفقر الموت الاکبر» فقر مرگ بزرگی است.

۷- علت زیستی و غریزی

ناتوانی‌های زیستی و غریزی یکی دیگر از عوامل اختلاف‌زا و تنش‌آفرین در خانواده‌ها بوده زیرا طرفین در این شرایط قادر به ارضای طبیعی یکدیگر نبوده و در نهایت منجر به فروپاشی خانواده‌ها خواهد شد!

۸- علت روانی و عاطفی

اختلافات، درگیری‌ها و تنش‌های خانوادگی گاهی منشأ روانی و عاطفی دارد. عدم سلامت فکری و روانی، وجود حسادت‌ها و بدگمانی‌ها و حساسیت‌های افراطی و... مایه تزلزل و یا فروپاشی خانواده‌ها خواهد شد!

سلوک عارفانه

رفق، بهترین شیوه اداره خانواده

بهترین راه برای اینکه همه افراد از نظر روحی بتوانند به بهترین وجه زندگی کنند، رفاقت کردن است. چه‌بسا انسان با رفاقت کردن بتواند یک زندگی را با کمترین مقدار مادی و به بهترین وجه اداره کند، و همه افراد خانواده را راضی و شاداب نگه دارد. اما اگر رفق و رفاقت در میان نباشد، و بعد افراد خانواده نسبت به یکدیگر جبهه‌گیری کنند، ده برابر هم که به پایشان پول بریزی، باز هم از هم راضی نمی‌شوند، و به جان هم می‌افتند!

۱- اخلاق ربانی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، ج ۵، ص ۱۱۸

صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir